

# مسافران ایرانی روسیه

● شهروزاد ساسان پور

و امن، قوه الکتریسیته و بخار، آزادی، امنیت، قانون، مشروطه، پارلمان، بیمارستان‌های عمومی، بیمه و خدمات اجتماعی، زنان باسواد مدارس مختلف و غیره متعجب شده‌اند و حتی مثل میرزا ابوالحسن ایلچی آن قدر متحیر شده‌اند که نام گزارش سفر خود را حیرت‌نامه گذارده‌اند. این مأموران به هنگام بازگشت به ایران هرچند تصور سطحی و ناقصی از اوضاع غرب داشتند اما غالباً می‌کوشیدند که آن چه را در غرب دیده و آمل‌شان شده بود در ایران جامه عمل ببوشانند.

در میان کسانی که به اروپا سفر می‌کردند در درجه اول شاه و بعد از وی صدراعظم، سایر وزراء، کارگزاران رسمی و درباری، سفراء شاهزادگان و منشیان قرار داشتند. نتیجه این مسافرت‌ها آن بود که این افراد با «تمدن بورژوازی» و «علوم جدید غرب» مواجه شدند و به قول مرحوم دکتر حائری با دو رویه تمدن بورژوازی غرب روبرو شدند، هرچند که غالباً شیفته مظاهر تمدن غرب شدند و به وجه دیگر دول اروپایی و انگیزه‌های استعمارگرایی آن‌ها توجهی نکردند.

در این مقاله سه سفرنامه ایرانی که حاصل سفر به سرزمین روسیه بوده و توسط سه شخصیت متفاوت نوشته شده است معرفی و مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از این مسافران خسرو میرزای شاهزاده است و آن دیگر یک ایلچی و آخرین نفر نیز تنها یک محصل اعزامی به خارج است که در نهایت بانی صنعت چاپ در ایران گردید.

سفرنامه خسرو میرزا به پترزبورگ که به قلم میرزا مصطفی افشار (بهاءالملک) نوشته شده به نام‌های دیگری چون، سفرنامه پترزبورگ، سفرنامه خسرو میرزا، و سیاحتنامه پترزبورگ نیز شهرت دارد. این سفرنامه به همراه تاریخ زندگی عباس میرزا، نایب‌السلطنه به قلم حاجی میرزا مسعود مستوفی انصاری (وزیر امور خارجه) در سال ۱۳۴۹ و به کوشش آقای محمد گلین در یک جلد به چاپ رسیده است.

قسمت اول این کتاب که به شرح زندگانی عباس میرزا اختصاص دارد، مطالبی چون خصومت‌های ایران و روس در آغاز لشکرکشی به جانب ولایات متصرفی روسیه، معاهده

ایرانیان از دوران صفویه به بعد به تدریج با مظاهر تمدن غرب آشنا شدند، و اما در دوران قاجاریه در حالی که غرب انقلاب صنعتی را پشت سر گذارده بود و از سوی دیگر به مطامع استعماری سیاسی و اقتصادی خود توجه داشت، ایران دچار عقب‌ماندگی اقتصادی، سیاسی، نظامی گردید.

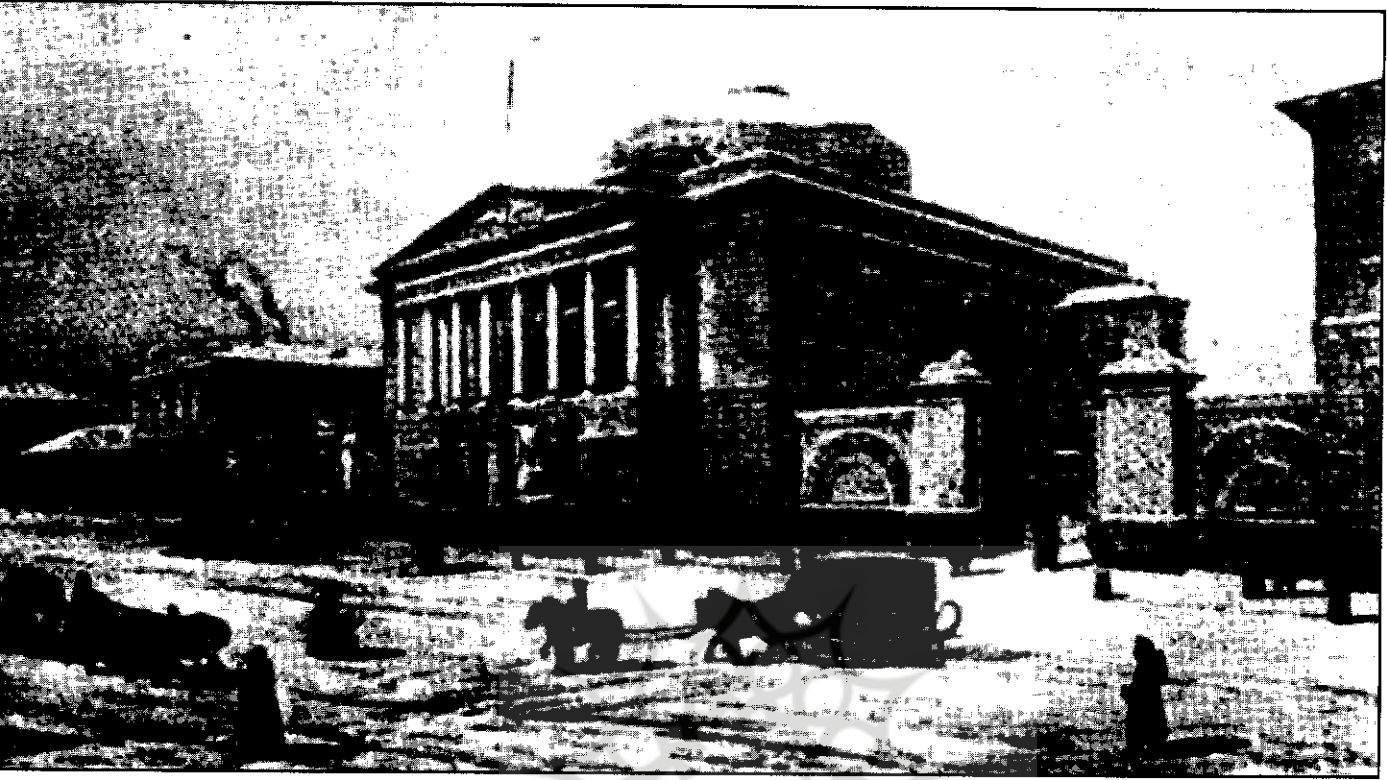
دو دوره جنگ ویرانگر میان ایران و روسیه، شکست‌های ایران و از سوی دیگر سیاست‌های روسیه و انگلستان در ایران و امتیازاتی که این دو کشور از ایران دریافت کرده بودند بالاخره هیأت حاکمه ایران و روشنفکران را متوجه عقب‌ماندگی ایران، لزوم اصلاحات و نیاز به دانش جدید و فناوری کرد. در واقع این مقایسه ایران با ملل توسعه یافته بود که عناصر نوگرا را به فکر فرو برد، نه نیازهای درونی و خودجوش نوگرایان و مأموران ایرانی.

از زمان عباس میرزا ضرورت اصلاحات مطرح شد و متعاقب آن برای جلوگیری از این عقب‌ماندگی اقداماتی مانند، اعزام محصل به خارج، ورود دستگاه چاپ، انتشار روزنامه، تأسیس دارالفنون، ترجمه کتب، استخدام مستشاران و معلمان اروپایی صورت گرفت.

از سوی دیگر سفرها به اروپا، آموختن زبان‌های خارجی و مشاهده مظاهر تمدن غرب، روشنفکران ایرانی را با پیشرفت‌های علمی غرب مواجه کرد. هرچند این مسافرت‌ها از سوی مأموران دولتی با انگیزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و... صورت می‌گرفت.

دو دوره جنگ‌های ایران و روس (۱۲۱۸ تا ۱۲۲۸ و ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ هـ. ق)، دولت و هیأت حاکمه را به فکر جبران عقب‌ماندگی‌ها انداخت. این مسافرت‌ها غالباً به سمت اروپا و به خصوص انگلستان بود اما برخی مسافرت‌ها به عثمانی و نیز روسیه آن هم با انگیزه‌های مختلف از جمله سیاسی صورت می‌گرفت.

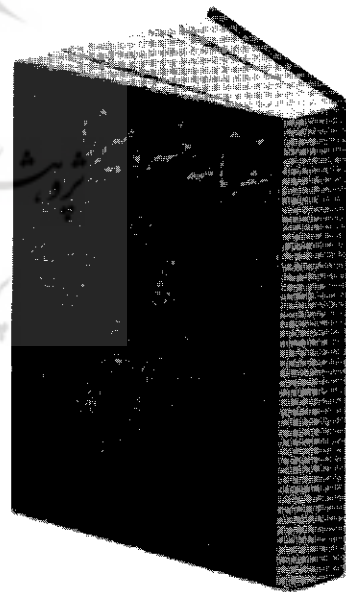
اکثر کسانی که به اروپا مسافرت کردند، به خصوص آن‌هایی که به انگلستان رفتند و از روسیه هم گذر کردند، در برخورد با مؤسسات جدید غربی مانند کارخانه‌ها، راه‌های مناسب



حوادث آن زمان، واقعه گریبایدوف، وزیر مختار روس در ایران و شرح کشته شدن او در تهران و همچنین وقایع سال ۴۵-۱۲۴۴ هـ. ق. را شامل می‌شود.

و اما قسمت دوم کتاب، سفرنامه خسرو میرزا است که شش فصل زیر را در برمی‌گیرد: اوضاع سفر از تبریز به پترزبورگ، احوال ایام توقف در پترزبورگ، در بیان تعداد ولایات روسیه و عدد و اهالی و اصناف و نوکر و رعیت، در کیفیت ولایات روسیه، عادات و اخلاق آن طایفه، در امور دولتی، در امور مراجعت. همان‌گونه که میرزا مصطفی نوشته، آن‌ها برای عذرخواهی از قتل گریبایدوف به همراه خسرو میرزا عازم پترزبورگ شدند. این سفر از تبریز آغاز می‌شود و مسافران شهرهایی همچون صوفیان، نخجوان، ایروان، اوچ کلیسا، حماملو، تفلیس، قفقاز و غیره را پشت سر می‌گذرانند و نهایتاً به پترزبورگ می‌رسند.<sup>۱</sup> وی در سفرش به روسیه تمام آن‌چه را که دیده و شنیده، از خصوصیات کشور روسیه، پادشاه، نحوه حکومت و به بیان دیگر دولت و ملت را به دقت بررسی کرده است.

خسرو میرزا در مسکو به دلجویی از مادر گریبایدوف می‌پردازد و همچنین به دیدن تماشاخانه و دیدنی‌های مسکو می‌رود.<sup>۲</sup> سپس در پترزبورگ بعد از وصف کاخ سلطنتی، میرزا مصطفی به نحوه تسلیم نامه شاه ایران برای عذرخواهی از قتل گریبایدوف از سوی خسرو میرزا و عکس‌العمل امپراتور روسیه اشاره می‌کند.<sup>۳</sup>



ترکمانچای (۱۲۴۲)، بیان مکالمه دربار ولیعهد با سفرای انگلیس، شورش‌های یزد و کرمان، مخالفت‌های رضاقلی خان ایلخانی و گرفتاری نواب هولاکو میرزا و انقلاب امر خراسان، مرخصی نواب محمد ولی میرزا از دارالخلافه و استماع فتنه دارالعباده، مأموریت حسین خان سردار به نظم اوضاع خراسان و



سفرنامه خسرو میرزا به پترزبورگ که به قلم میرزا مصطفی افشار (بهاءالملک) نوشته شده به نام‌های دیگری چون، سفرنامه پترزبورگ، سفرنامه خسرو میرزا و سیاحتنامه پترزبورگ نیز شهرت دارد

سبک سفرنامه میرزا ابوالحسن خان بسیار ساده و روان است و نویسنده کلیه دیده‌ها و شنیده‌هایش را دقیقاً به صورت ثبت وقایع ماه به ماه و روز به روز گردآوری نموده است

کرده و سپس آمار دقیقی از مدارس مسکو و پترزبورگ (مسکو ۱۶۶ و پترزبورگ ۱۸۸ مدرسه) با معلمان داخلی و خارجی برای تحصیل پسران و دختران از ابتدایی تا دکتری (دکتری) ارائه می‌دهد.

وی به انواع زبان‌ها و لغات مختلفی که در روسیه رواج داشته مانند، لیه، نمه، اشود، فرانسه، انگلیسی، ایتالیایی - لاتینی و نشان‌های دولت روس و ولایات آن، نشان‌های منصب و احترام، طبایع و اخلاق مردم روسیه، بنادری که جهت کشتی‌های جنگی دولت روسیه ساخته‌اند، جبال و معادن، انواع محصولات، مراتب وزرای دولت روس و جزئیات آن در نه بخش توجه کرده است.<sup>۱۱</sup>

میرزا مصطفی مدارس گوناگونی را در روسیه مشاهده و به وصف آن‌ها پرداخته است، از جمله مدرسه علوم که دارای موزهای از طبایع نباتات و جمادات و جنین انسان و اقسام حیوانات بوده است.<sup>۱۱</sup> و نیز مدرسه سپاهی مسکو که دارای شفاخانه و امکانات رفاهی بوده<sup>۱۲</sup>، همچنین مدرسی جهت تحصیل فرزندان نجبا در سپاه بری و بحری به اهتمام نیکولای امپراتور روسیه<sup>۱۳</sup>، مدرسه علوم پترزبورگ<sup>۱۴</sup> مدرسه کورکاده (نجبا) و مدرسه کوردمین (دسته و جماعت معادن) و مدرسه دختران پترزبورگ که دختران به تحصیل علوم تاریخ و جغرافیا، موسیقی، حساب و حکمت و دوخت و دوز می‌پرداختند.<sup>۱۵</sup> و مدرسه کر و لال‌ها.

میرزا مصطفی از وجود مدارس گوناگون در روسیه چنین نتیجه می‌گیرد که «اعظم منافع تحصیل علم است... بنای این مدارس در ممالک ایران به غایت سهل و آسان است. می‌توان از ارباب علوم فرنگ چند نفر را به ایران آورد و یکی از مدارس را برای اولاد و نجبای آن ملک تعیین نمود... در کاری که متضمن نفع عامه باشد، متحمل ضرر آن شدن شرعاً و عرفاً جایز و رواست.»<sup>۱۶</sup>

از دیگر چیزهایی که توجه میرزا مصطفی را به خود جلب کرده بود، بانک می‌باشد که علت آن را در گردش پول در ولایت و انتفاع دولت و رعیت در بلاد عظیمه روسیه دانسته.<sup>۱۷</sup> همچنین

خوشبختانه با گسترش اندیشه آزادیخواهی در روسیه میرزا مصطفی افشار که خود روسیه را دیده بود به آزادیخواهی و آزادی‌های عمومی در روسیه توجه کرده است.

ظاهراً او با صاحب‌نظران اجتماعی و سیاسی روسیه در ارتباط بوده که به آزادی عمومی مردم در امر انتخاب حکام توجه داشته‌اند. آن‌ها به او تأکید کردند که مردم ایران بایستی فرد به فرد با عباس میرزا جهت ولایت‌عهدی بیعت کنند و او نیز باید به رسم عدل و احسان با مردم رفتار کند.

نکته قابل توجه آن است که با وجود سرکوب جنبش آزادیخواهانه دکامبريست‌ها (Decembrists) در سال ۱۸۲۵ م. و تشدید ظلم تزاران، اندیشه آزادیخواهی کما بیش در بین اندیشه‌گران روسیه وجود داشته است.

از دیگر نکاتی که میرزا مصطفی بدان توجه کرده گروه‌های مختلف مذهبی از قبیل مسلمان، ارمنی، یهودی و سایرین در روسیه است. او می‌نویسد: «سواى مذهب مزبور چندین گروه مختلف دیگر در داخل مملکت «روسیه» با اهل و عیال نشسته مشغول طاعات مقررۀ کیشی خود هستند و به سبب صدور فرمانی که چهار سال قبل از جانب امپراتور روس صادر شده است کسی دخل و تصرف به مذهب و دین ایشان نمی‌نماید.»<sup>۱۸</sup>

از دیگر چیزهایی که توجه میرزا مصطفی را به خود جلب کرده تماشاخانه‌های شهرهای واروینچ و طول و مسکو<sup>۱۹</sup> و یک بالون<sup>۲۰</sup> در پترزبورگ بوده که بالانچی فرانسوی نحوه کار آن را شرح داده است. او به ذکر اعیاد مذهبی و ملی در روسیه و دیدنی‌های موزه آرمیتاژ و اشیای نفیس آن<sup>۲۱</sup>، کاخ کرملین باغ‌های آن، مجلس بال و مدرسه علوم و سپاهی مسکو پرداخته است.<sup>۲۲</sup>

وی علت ایجاد تماشاخانه‌ها و اشاعه انواع عسرت‌ها از سوی امپراتور روسیه را چنین ذکر می‌کند: «مردم بیکار که در هر ملکی از آن ناچار است مشغله داشته چنان که عادت بیکاران است در پی عیب‌جویی دولت و دولتیان نباشند.»<sup>۲۳</sup>

نویسنده در فصل سوم این سفرنامه به بنیاد دارالتعلیم در روسیه و رواج علوم در این کشور به تشویق پتر کبیر اشاره

خوشبختانه با گسترش اندیشه آزادیخواهی در روسیه میرزا مصطفی افشار که خود روسیه را دیده بود به آزادیخواهی و آزادی‌های عمومی در روسیه توجه کرده است

**ابوالحسن خان در سفر خود گرفتاری‌ها و مسئولیت‌های زیادی برعهده داشت. بزرگترین مشکل او آن بود که نسبت به روابط انگلیس و فرانسه و روسیه اطلاع چندانی نداشت و از سیاست‌های آنان غافل بود**

کمی‌ها و کاستی‌های ملت و کشور و بی‌مسئولیتی آن‌ها آگاه نماید. در واقع این مسافر ایرانی در سفرنامه‌اش تئوری‌نوسازی از بالا را مطرح می‌کند که در جهت تقویت اساس سلطنت است، اما وی اندیشه تقلید را مقدم بر تأسیس دانسته و اعتقاد داشته که باید مشاغل و کارها در دست دولت باشد. وی به میزان مشارکت دولت با مردم و توجه به استفاده از قوه بخار در صنایع اشاره دارد. وی مدرسه کر و لال‌ها، مدرسه علوم و دختران و مدرسه نظام و دسته نجبا را دیده و استخدام معلمان خارجی را از عوامل پیشرفت فرهنگی اولیه دانسته است. دید او سرشار از تحبیر، تأثر، توجه به جنبه علمی مسائل و در نتیجه درک محدود از تحولات جهانی و بسیار کنجکاوانه و تا حد زیادی ظاهربینی می‌باشد.

سفرنامه میرزا صالح شیرازی:

میرزا صالح شیرازی، فرزند حاجی باقر کازرونی که تاریخ تولد و مرگ وی به طور دقیق مشخص نمی‌باشد از رجال مشهور عصر اول قاجاریه است و از پیشروان اندیشه‌های آزادیخواهانه و نوآوری در ایران و بازسازی آن به حساب می‌آید. وی از جمله افرادی بود که در سال ۱۲۳۰ هـ. ق. از سوی عباس میرزا برای تحصیل به انگلستان رهسپار شد.

اینان عبارت بودند از: میرزا جعفر برای مهندسی، میرزا جعفر برای تحصیل شیمی و طب، محمدعلی چخماق ساز برای قفل و کلیدسازی، میرزا رضا صوبه‌دار توپخانه برای تحصیل امور لشکری و توپخانه و میرزا صالح برای مترجمی و آموختن زبان‌های انگلیسی و لاتینی.

میرزا صالح قبل از اعزام به انگلستان در تبریز در دستگاه عباس میرزا به کار نوشتن و دست‌نگاری اشتغال داشت. وی در لندن به یادگیری فن چاپ پرداخت و به محض ورودش به ایران

وی به کارخانه ابریشم‌بافی تفلیس که توسط یک فرانسوی بنا شده<sup>۱۸</sup> و کارخانه‌های اسلحه‌سازی<sup>۱۹</sup> و ضرابخانه<sup>۲۰</sup> که با نیروی بخار کار می‌کنند نیز اشاره دارد.

میرزا مصطفی بعد از مشاهده قوه بخار و نحوه کار آن در کارخانه‌های روسیه می‌نویسد: «بسیار حیف باشد که دستگاه بخار که باعث رونق عموم صنایع و مایع تحصیل اغلب منافع است، با آن سهولت مآخذ در ایران متداول نشود.»<sup>۲۱</sup>

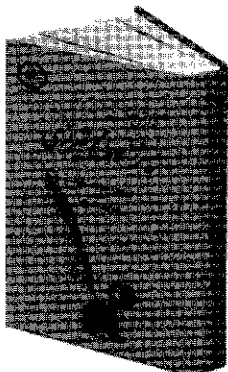
همچنین بعد از وصف کارخانه اسلحه‌سازی شهر تول می‌نویسد: «کاشکی دولت علیه ایران چند نفر از جوانان کار دیده را برای تعلیم به این کارخانه می‌فرستاد که به خرج کم در زمان اندک، تحصیل انواع صنایع می‌کردند.»<sup>۲۲</sup>

از نکاتی که میرزا مصطفی ظاهراً از آن غفلت نموده آن است که چندان به وضع رعایای تزاری و اعتراضات آن‌ها علیه رژیم تزاری توجه نداشته است.

در بخش دیگری از سفرنامه به طور غیرمستقیم از عدم توجه دولت ایران و اعضای آن به تحصیلات و بالا بردن آگاهی‌های ملت یاد نموده و می‌نویسد:

«اگر دولت، اعیان مملکت را خواه به مسافرت یا به درس خواندن السنه و علوم و تواریخ دول دیگر به این آگاهی و امیدداشت، احتمال کلی می‌رفت که از آگاهی اعیان مملکت، آگاهی به عموم رعیت سرایت کند و زبان قدح و شکایت به مدح و منقبت بدل شود و ارادت سلطان در دل‌ها قرار گیرد و به این سبب دولت دوام و ثبات پذیرد و مثنی عجزه و مساکین به آتش ناسپاسی نسوخته عمری نسلا بعد نسل در سایه عاطفت دولت واحد به استراحت، روزگار گذرانند.»<sup>۲۳</sup>

بدین ترتیب میرزا مصطفی افشار با دقت تمام آن چه را که دیده و شنیده ثبت نموده و راجع به نحوه حکومت و وضعیت دولت و ملت روسیه در کنار وضعیت جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی آن سخن گفته است. به نظر می‌رسد که میرزا مصطفی نوعی دیدگاه جامعه‌شناسانه و واقع‌گرایانه در سفرنامه مزبور به دست می‌دهد، از سوی دیگر وی که یک منشی درباری بوده سعی کرده در قالب جملات پسندیده دولت و شاه را نسبت به





میرزا صالح شیرازی قسمت نسبتاً مفصلی از بخش اول سفرنامه خود را به شرح روابط روسیه و فرانسه به هنگام حمله ناپلئون به مسکو و مذاکرات بعدی تا نبرد واترلو و عاقبت آن اختصاص داده است

موازنه مذاهب و ادیان را از روی تحقیق و بررسی کند...<sup>۲۵</sup> به هر حال میرزا صالح در رکاب همراهانش سفر خود از ایران به روسیه را آغاز کرده و بعد از عبور از آذربایجان و تفریس (گرجستان) وارد مسکو شده، سپس با عبور از منازل، روستاها و شهرهای مختلف به پترزبورگ وارد شده است.

از مهم‌ترین مطالبی که میرزا صالح در سفرنامه‌اش بدان توجه کرده می‌توان به مسئله اصلاحات اشاره کرد.

میرزا صالح از اصلاحات کاترین کبیر از جمله تخفیف در خراج شاهی جهت فقرا و رعایا یاد کرده است.<sup>۲۶</sup> از سوی دیگر او به آزادی مذهبی از سوی پطر کبیر اشاره دارد.<sup>۲۷</sup> مدارس مسکو و این که هشت هزار طفل از دختر و پسر در آن مشغول تحصیل بودند و پرورش آن‌ها تا سن بیست و یک سالگی و رسیدن به شغل دلخواه، همچنین دارالشفاهایی که متعلق به این مدارس است از دیگر موارد مورد توجه نویسنده است.<sup>۲۸</sup>

وی به مدارس پترزبورگ و نیز مدرسه‌ای که الکساندر ساخته و در آن حکمت طبیعی، امورات شرع عیسوی، تاریخ مملکتداری دولت روم و آیین مملکت‌داری همه فرنگ آموزش داده می‌شود و معلمان مختلفی که جهت تدریس و ترجمه کتب از فرانسه و انگلیسی به زبان روسی داشته اشاره کرده است.<sup>۲۹</sup> همچنین وی به بیست هزار طفل سالدارت که در مکتب‌خانه‌ها بودند نیز توجه نموده است<sup>۳۰</sup> که بعد از اتمام تحصیل وارد قشون دریایی روسیه می‌شدند.

وی سپس به علوم که در مدرسه مسکو تدریس می‌شد مثل الهیات، فلسفه، تاریخ، مساحی، حساب، معماری، قلعه‌سازی، توپخانه، الجیره، صورت‌کشی جنگ، شمشیر، رقص، خواندن و نوشتن و کتابخانه‌های بزرگ مسکو و پترزبورگ پرداخته است.<sup>۳۱</sup>

از نکات جالب سفرنامه توصیف اوضاع جغرافیایی، تاریخی، جمعیت مسکو و نحوهٔ آبنیه و شهرسازی آن است.<sup>۳۲</sup> میرزا صالح شیرازی قسمت نسبتاً مفصلی از بخش اول سفرنامه خود را به شرح روابط روسیه و فرانسه به هنگام حمله ناپلئون به مسکو و مذاکرات بعدی تا نبرد واترلو و عاقبت آن اختصاص

برای نخستین بار دست به تهیه و چاپ روزنامهٔ «کاغذ اخبار» زد و بدین ترتیب اندیشه نوگرایی خود را نمودار ساخت.

وی برای رفتن به انگلستان ناگزیر به عبور از روسیه نیز بود. در روسیه او با سفیر ایران یعنی میرزا ابوالحسن خان شیرازی هم ملاقات نمود. چون ابوالحسن خان متوجه نازک‌اندیشی و ذهن آگاه میرزا صالح شده بود، بسیار مورد توجه وی قرار گرفت.

میرزا صالح شیرازی در انگلستان با معرفی سرگوراولی به همراه دو نفر دیگر یعنی میرزا جعفر مهندس (مشیرالدوله) و میرزا ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی) به سازمان فراماسونری پیوست. آن‌ها به محض ورودشان به ایران با کمک سرگوراولی در ایران لژ فراماسونری را ایجاد کردند. هرچند وی دارای فکر آزادیخواهانه بود اما چون روحیات ملی و مذهبی قوی داشت، چندان مورد رضایت لژ فراماسونری نبود و به عبارتی چون برای انگلیسی‌ها و اهدافشان مفید واقع نشد، در نتیجه به مقام‌های والایی نرسید.

از وی تنها دو بار در تاریخ یاد می‌شود «یک بار به عنوان سفیر فوق‌العاده به انگلیس رفته که به دستور عباس میرزا و برای تعویض سفیر انگلیسی هنری ویلک (Henry Wilack) بود و یک بار هم در هیأت اعزامی ایران به روسیه برای معذرت‌خواهی از قتل گریبایدوف که ریاست این هیأت را خسرومیرزا به عهده داشت و یکی از همراهان و اعضای هیأت نیز میرزا تقی خان امیرنظام «امیرکبیر» بود. این هیأت در سال ۱۳۴۵ هجری برابر با ۱۸۲۹ میلادی به دربار سن پترزبورگ سفر کرد که در سفرنامه خسرومیرزا مذکور است.»<sup>۳۴</sup>

میرزا صالح در نحوه سفرش به اروپا اشاره می‌کند که شاه وقت اراده کرده بود تا چند نفر را به جهت تحصیل علوم فرنگ به همراه قولونل خان به اروپا بفرستد. به پیشنهاد قائم مقام او را نیز برای این سفر به همراه تنی چند انتخاب می‌کنند.

لازم به ذکر است که آقا اسماعیل بروچردی با این سفر به این دلیل که مجموع جاهل‌اند مخالف بود اما میرزا معتقد بود که باید تحصیل تازه کند و جاهای دیگر را ببیند و اگر عمرش کفاف دهد بعد از مراجعت به ایران به کار جمعی از مسلمانان پرداخته و

لباس زنان و مردان روسیه در زمان فتحعلی شاه

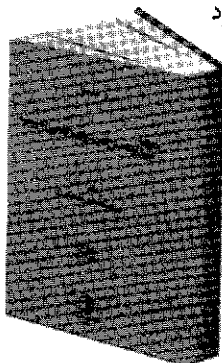


تمدن غرب یعنی روسیه توجه نموده و مسایلی چون اصلاحات، ترقی صنعتی و استفاده از قوه بخار، وصف اوضاع جغرافیایی و تاریخی و نحوه شهرسازی و رعایت قوانین و مقررات در روسیه را مدنظر قرار داده و با دید انتقادی به حکومت ایران هرچند به صورت غیرمستقیم نگریسته است.

باتوجه به این که وی در سفرنامه‌اش در رابطه با نحوه حکومت انگلستان می‌نویسد: «پادشاهان درصدد تربیت و ترقی مردمند و پادشاه بعدی هم از انجام آن غافل نبوده» (ص ۶)، درواقع تحت تأثیر عدالت اجتماعی غرب در مقایسه با قاجاریه قرار گرفته است.

سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی به روسیه (دلیل السفراء).

میرزا ابوالحسن خان شیرازی، پسر دوم میرزا محمدعلی از منشیان دستگاه نادرشاه افشار بود



که به سال ۱۱۹۰ هـ. ق در شهر شیراز متولد شد. وی خواهرزاده حاجی ابراهیم خان کلانتر و نیز داماد او بوده است. بعدها او از رجال نامی عهد فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار گردید. در زمان فتحعلی شاه وی ابتدا حاکم شوشتر بود و چون حاجی ابراهیم

داده است.<sup>۳۳</sup>

عمارت مصلحت خانه<sup>۳۴</sup>، ارگ شاهی مسکو و خانه دیوانگان<sup>۳۵</sup> (مخصوص کسانی که عقلشان زایل شده بود)، دستگاه پلیس<sup>۳۶</sup> در پترزبورگ که موظف بود هر کس را به روسیه رفت و آمد می‌کند شناسایی کرده و «پسپورد» (پاسپورت) دریافت نمایند، همچنین دارالشفا پترزبورگ نیز موردتوجه میرزا صالح قرار گرفته‌اند.<sup>۳۷</sup>

میرزا صالح نیز مانند میرزا مصطفی افشار به این نکته اشاره می‌کند که بطرکبیر بعد از مصاحبت با جوانی فرنگی به نام لیفورت، که ملت روسیه را مانند حیوان عقب مانده می‌دانست، به فکر اصلاحات افتاد و به همراه عده‌ای ایلچی با لباس مبدل به آمستردام رفت، نجاری آموخت و بعد در انگلستان نیز به فن نجاری و آهنگری پرداخت، مؤسسات آن‌جا را دید و بعد از دو سال که به روسیه برگشت، این صنایع را رواج داد و عده‌ای را نیز جهت تحصیل علوم و صنایع به فرنگ مأموریت داد.<sup>۳۸</sup>

وی بعد از توصیف صنایع روسیه به دستگاه‌های کتان‌بافی، شوره‌سازی، گوگرد صاف‌کنی، باروت‌سازی با چرخ، کوره آجرپزی، آهنگری و توپ‌سازی، گاری‌سازی و نجاری، کارخانه چینی‌سازی و پوست‌سازی پرداخته و به حدود یکصد کارخانه با دستگاه‌های کوچک و بزرگ اشاره می‌کند.<sup>۳۹</sup>

تماشاخانه‌های مسکو و پترزبورگ از دیگر مکان‌هایی است که میرزا صالح آن‌ها را توصیف کرده است.<sup>۴۰</sup> بدین ترتیب میرزا صالح با نگاهی بسیار دقیق و ظریف به

## از نکاتی که میرزا مصطفی ظاهراً از آن غفلت نموده آن است که چندان به وضع رعایای تزاری و اعتراضات آن‌ها علیه رژیم تزاری توجه نداشته است

### میرزا صالح قبل از اعزام به انگلستان در تبریز در دستگاه عباس میرزا به کار نوشتن و دست‌نگاری اشتغال داشت

میرزا ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی)



زنجان و تبریز رفته، سپس در خوی با قائم مقام و وزیر اعظم و میرزا محمدعلی منشی نائینی دیدار کرده<sup>۳۳</sup> و پس از آن عازم ایروان می‌شود. در آن‌جا با سرموریه برخورد کرده و پس از سه روز وارد تفلیس می‌شود. در تفلیس از سوی کارگزاران روسیه مورد استقبال قرار می‌گیرد. او در آن‌جا با آقا بیگ دربندی که از عوامل هجوم روسیه به ایالات ایران بوده برخورد کرده و از خصایص منفی او صحبت می‌کند. سپس سردار روس فرمان‌های شاه ایران و هدایای امپراتور را دیده و به هدایا طمع می‌کند. ایلچی هدایایی به او تقدیم می‌کند.<sup>۳۴</sup> سپس هیأت ایرانی وارد قفقاز شده و بعد از آن در عاشورای سال ۱۲۳۰ به مسکو می‌رسند و از عمارات و مکان‌های مختلف آن بازدید می‌کنند.<sup>۳۵</sup> سرگوراولی در پترزبورگ با فرستادن نامه و پیک اوضاع را به ابوالحسن خان اطلاع می‌داد.<sup>۳۶</sup> در حالی که امپراتور روسیه به فرانسه رفته بود، میرزا ابوالحسن خان با ۴۱ روز تأخیر وارد پترزبورگ می‌شود. چرا که طلغیان ناپلئون در آن زمان اروپا را به لرزه انداخته بود. او در پترزبورگ در طی ده مقاله اوضاع جغرافیایی، تاریخی، پادشاهان و اوضاع مختلف روسیه را بررسی نموده و در پترزبورگ با سرگوراولی ملاقات می‌کند. در حالی که امپراتور خارج از پترزبورگ بود، ابوالحسن خان نامه‌ای برای او نوشته و

خان به زندان افتاد به بصره و مکه و هند رفت و سپس فرمانی از شاه مبنی بر بازگشت وی رسید و در سال ۱۸۰۹ میلادی ۱۲۲۴ هـ. ق به عنوان سفیر به دربار انگلستان فرستاده شد. سپس در سال ۱۲۲۸ هـ. ق که معاهده گلستان در پایان جنگ‌های دوره اول ایران و روسیه انعقاد یافت، وی به نمایندگی از سوی دولت ایران پیش‌نویس عهدنامه موقت گلستان را در زیوه امضاء و سپس به تصویب فتح‌علی‌شاه رسانید و بعد از آن مأمور به تصویب رساندن قرارداد از جانب امپراتور روسیه شد. بدین علت راهی پترزبورگ گردید تا ضمن امضای این قرارداد، درباره استرداد قسمتی از خاک ایران که روسیه متصرف شده بود با امپراتور مذاکره نماید.

چون سرگوراولی، سفیر انگلستان همکار ابوالحسن خان در تصویب این قرارداد بود، خود نیز راهی روسیه شده و از فتح‌علی شاه خواست که هر چه زودتر ابوالحسن خان را راهی روسیه گرداند تا زیر نظر وی کارها انجام شود. ابوالحسن خان در این سفر گرفتاری‌ها و مسئولیت‌های زیادی را برعهده داشت. بزرگترین مشکل او آن بوده که نسبت به روابط انگلیس و فرانسه و روسیه اطلاع چندانی نداشته و از سیاست‌های آنان غافل بوده است.

ابوالحسن خان پس از بازگشت از روسیه روانه لندن می‌شود تا انجام وعده‌های سرگوراولی را از دولت انگلستان خواستار شود.

میرزا محمد هادی، (علوی شیرازی) منشی محرر سفرنامه ابوالحسن خان به روسیه بود که از خاندان سادات شیراز به حساب می‌آمد و در کار خود بسیار دقت نظر داشت. این سفرنامه که به دلیل السفرا نیز مشهور است، ظاهراً قرینه سفرنامه ایلچی به انگلستان تحت عنوان حیرت نامه سفر محسوب می‌شود. سبک سفرنامه میرزا ابوالحسن خان بسیار ساده و روان است و نویسنده کلیه دیده‌ها و شنیده‌هایش را دقیقاً به صورت ثبت وقایع ماه به ماه و روز به روز گردآوری نموده است.<sup>۳۷</sup> سفر ابوالحسن خان در روز سه‌شنبه بیست و پنجم جمادی‌الثانی سال ۱۲۲۹ هـ. ق. آغاز می‌شود. او از قزوین به

**میرزا مصطفی افشار با دقت تمام آن چه را که دیده و شنیده ثبت نموده و راجع به نحوه حکومت و وضعیت دولت و ملت روسیه در کنار وضعیت جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی آن سخن گفته است**

**میرزا صالح شیرازی در انگلستان با معرفی سرگوراولی به همراه دو نفر دیگر یعنی میرزا جعفر مهندس (مشیرالدوله) و میرزا ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی) به سازمان فراماسونری پیوست**

توسط بساناویچ، ژنرال روسی فرستاده و وضعیت خود را شرح می‌دهد. امپراتور به عمال دولتش سفارش می‌کند که آن‌ها را نوازش و حرمت کنند. در این فرصت است که ایلچی به تماشای پترزبورگ و ثبت ویژگی‌های آن می‌پردازد. در ۲۳ رمضان ۱۲۳۰ هـ. ق. وی در پترزبورگ با دانشجویان ایرانی که عازم انگلستان بودند یعنی، میرزا صالح شیرازی، میرزا جعفر و دیگران ملاقات می‌کند. سرانجام این هیأت با امپراتور الکساندر ملاقات کرده و در نهایت به باغی در نزدیکی پترزبورگ جهت اقامت راهی می‌شوند و سرانجام هدایای شاه ایران تحویل امپراتور می‌شود. چند روز بعد جشن عروسی خواهران امپراتور در طرح موضوع ایالات از دست رفته تأخیر به وجود می‌آورد که سرانجام لارد کلرک با توجه به نقشه ولایات متصرفی ایران توسط روسیه به ایلچی می‌فهماند که چون در جنگ با فرانسه، روسیه پیروز شده و دیگر این که ایالاتی چون قزاقستان بسیار مورد توجه امپراتور قرار گرفته، بنابراین محال است ایالتی را پس دهد.<sup>۲۶</sup>

ایلچی به این دلیل که سرگوراولی در این رابطه تعهداتی نموده می‌خواهد راهی لندن شود اما به پیشنهاد لارد کلرک و تعجیلی که ابوالحسن خان داشت قرار شد که او با نسلرود وزیر در این رابطه صحبت کند چرا که اجازه ملاقات شفاهی او را با امپراتور نداده بودند. اما نسلرود خود را به بیماری زده و بعد از چند روز به او اطلاع می‌دهد آن چه را که تقاضا دارد بدون اطلاع سفیر انگلستان برای امپراتور بفرستد. ایلچی ضمن اظهار این مطلب که باید سفیر انگلیس در جریان باشد تقاضای خود را مبنی بر استرداد برخی از ایالات تصرفی ایران توسط روسیه نوشته و ذکر می‌کند که اگر برای روسیه مقدور نیست تمام ایالات را پس دهد، گرجستان و داغستان متعلق به روسیه مابقی ولایات به ایران مسترد شود.<sup>۲۷</sup> اما روسیه قبول نکرده و ژنرال یرملوف به ایران آمده و تقاضا می‌کند که ایران اجازه دهد تا نیروهای روسیه از طریق استرآباد و خراسان به خان‌های خیوه حمله کنند. اما به دلیل مخالفت فتحعلی‌شاه یرملوف نیز حاضر به استرداد آن ولایات نشد تا این که جنگ‌های دوره دوم ایران و روسیه آغاز گردید. ظاهراً سفارت ابوالحسن خان به روسیه

سودی برای دولت ایران در برداشته است. میرزا ابوالحسن خان ایلچی سفر خود را روز سه‌شنبه ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۲۲۹ هـ. ق. از دارالخلافه تهران به سمت تفلیس، ایروان و روسیه آغاز می‌کند. او به وصف اماکنی چون حمام‌ها، کاروانسراها، عمارات، داکاین، کلیساها، رودخانه‌ها، مساجد، بازارها، درالشفاء، قورخانه، توپخانه و غیره پرداخته است.<sup>۲۸</sup> از نکاتی که ایلچی در سفرنامه خود به صراحت بدان اشاره نموده این است که به دلیل ارتباط میان اهالی روسیه با مردم ارمنی و گرجی، بی‌عصمتی به آن‌ها سرایت کرده است. وی درباره دلیل این امر می‌نویسد: «... زیرا که تمام به قانون روس رفتار می‌نمودند، چرا که روسیه را تسلطی کلی برایشان است، همچنان که هریک از طایفه روس که به هر خانه بروند، عملی کرده باشند، احدی حد آن را ندارد که تواند سخنی بگوید.»<sup>۲۹</sup> نویسنده در جای دیگر از سفرنامه خود به خیانت‌های عده‌ای از مردم آذربایجان و همکاری آن‌ها با دولت روسیه برای اشغال نواحی مرزی ایران اشاره کرده و می‌نویسد که این امر: «قدری به دستیاری والی‌های گرجیه که حال خود همگی اسیر و در حبس آنها می‌باشند، و قدری به دستیاری اشخاصی که متصف به صفات آقاییک در بندگی می‌باشند به تصرف آنها درآمد.»<sup>۳۰</sup> میرزا ابوالحسن خان وقتی متوجه شد عده‌ای از ایرانیانی که برای کار و تحصیل و معاش به تفلیس آمده‌اند، توسط ایادی شهر زندانی شده‌اند از آن‌ها علت را سؤال می‌کند و آن‌ها اظهار می‌کنند از ترس این که این ایرانیان راهزن بوده و یا مرتکب خلافتی در ایران شده باشند این کار را کرده‌اند و اگر از دولت ایران حکمی برایشان برسد، آن‌ها را آزاد خواهند کرد.<sup>۳۱</sup> نویسنده در جای دیگر به اهالی گرجستان و تمایل آن‌ها برای پیوستگی مجدد به ایران اشاره نموده و می‌نویسد: «جمیع گرجیه آنجا شب و روز به دعای دوام دولت شاهنشاه ایران مشغول می‌باشند و تمنای استخلاص خود را از روسیه می‌نمایند. و می‌گویند بزرگان و والی‌زادگان ما که خدمت کلی به دولت روس کردند و آنها را در این مملکت راه دادند حال با کوچ و بنه در پترزبورگ محبوس و تکدی می‌کنند، آیا به ما





به نظر می‌رسد که میرزا مصطفی نوعی دیدگاه جامعه‌شناسانه و واقع‌گرایانه در سفرنامه خسرو میرزا به دست می‌دهد، از سوی دیگر وی که یک منشی درباری بوده سعی کرده در قالب جملات پسندیده دولت و شاه را نسبت به کمی‌ها و کاستی‌های ملت و کشور و بی‌مسئولیتی آن‌ها آگاه نماید

چه رسد؟<sup>۵۲</sup>

۸- در بیان مداخل و رواج کاغذ چاپی و اسکناس و مخارج دولت.

۹- در بیان آیین و اثاث، سپاه و سوار و پیاده و سالدات، کیفیت آتش خانه و توپخانه.

۱۰- در بیان بعضی قاعده و قانون ایشان که در هر موارد معمول می‌دارند.<sup>۵۵</sup>

از سوی دیگر نحوه مداخل و مخارج دولت و خزانه پادشاهی و وظایف ضرابخانه‌ها و نیز چاپ اسکناس که قیمتی چون طلا و نقره داشته مورد توجه نویسنده واقع شده است.

در قسمت دیگر، او از کاذت یاد می‌کند. کاذت ورق نازکی بود که هر امری در هر جا وقوع می‌یافت را در آن چاپ کرده و به اطلاع اهالی می‌رسانیدند.

در مقاله هفتم به مناصبی چون کانسل اشاره شده است. نویسنده می‌نویسد: «وضع کانسل این است که دوازده نفر از بزرگان و دانشمندان و اشخاصی که اعتماد و اعتقاد کلی بر افکار و اطوار ایشان باشد از دولت تعیینی هستند و موجب و نشان از دولت دارند، که هرگاه امری از هر مقوله روی می‌دهد، خواه در باب جنگ و منازعه، خواه در باب سایر امورات کلی، آنها را خبر می‌دهند که چه باید کرد.»<sup>۵۶</sup>

باشت برد (پاسپورت) از دیگر موارد مورد توجه ایلچی بوده، او در این باره می‌نویسد: «باشت بُرد سالیانه مبالغ خطیری عاید دولت روسیه می‌کند و علت وجود باشت بُرد آن است که احدی نتواند از سر حد روسیه بیرون رود، از سوی دیگر هر کس از هر جا

ایلچی در راه عبور از قفقاز به مسکو چون به شهر بارونج رسیده از آن‌جا و کارخانه ماهوت‌سازی و نحوه استفاده از بخاری یاد کرده، همچنین به توصیف کارخانه‌های شهر تول منجمله کارخانه ذوب آهن جهت تهیه هر نوع اسلحه پرداخته است.<sup>۵۳</sup> وی در جای دیگر از کارخانه سفیدبافی و کارخانه‌های بافت شال در مسکو به طریق شال‌های یزد و کاشان و نیز وضع کارخانه ماهوت‌بافی و نحوه کار آن یاد کرده است. همچنین به توصیف کارخانجات زری‌بافی و مخمل‌بافی مسکو پرداخته است.<sup>۵۴</sup>

ایلچی طی ده مقاله شهر پترزبورگ را توصیف کرده است:

- ۱- در باب بنای سلطنت روسیه و پادشاهان آن.
- ۲- بنای آبادی پترزبورگ.
- ۳- وضع عمارات سمت جنوبی رودخانه بزرگ.
- ۴- بیان اسباب و اوضاع خانه و لباس زنان و مردان ایشان.
- ۵- در بیان وضع خواب و خوراک و ضیافت کردن و تقوی و طهارت.
- ۶- در بیان طریق خلقت و عقد و نکاح و مذهب و ملت و رفتار ایشان.
- ۷- در آیین پادشاهی و ملزومات آن، و وضع کانسل و ستور و وزراء.

و هر مملکتی و با هر لباسی وارد روسیه شود دولتیان بدانند کیست و منظورش چیست.»<sup>۵۷</sup>

نویسنده همچنین به تحصیل زبان‌هایی مانند فرانسه و انگلیسی از طفولیت، به خصوص برای زنان و دختران روسی اشاره دارد.

خانه عجایب المخلوقات و ساعت زیبای کاخ آرمیتاژ که میرزا صالح و میرزا مصطفی افشار نیز بدان اشاره نموده‌اند نیز مورد توجه ایلچی قرار گرفته است.

ایلچی و همراهانش در روز یکشنبه ۲۲ محرم سال ۱۲۳۱ هـ.ق. جهت عید کبیر پادشاه به حضور وی شرفیاب شدند. وی با دقت به وصف قیافه شاه و خاندان سلطنتی و نحوه برگزاری مراسم پرداخته است.

بدین ترتیب ابوالحسن خان ایلچی راه حل پیشرفت ایران را در تقلید محض از غرب دانسته و واکنش او نسبت به ترقی روسیه، تحقیر، انفعال و سرگردانی است که در نتیجه باعث شیفتگی او در تمدن غرب (روسیه) شده است.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱ - افشار، میرزا مصطفی، سفرنامه خسرومیرزا به پترزبورگ، به کوشش محمد گلبن، تهران، ۱۳۴۹، چاپخانه اتحاد، صص ۲۰۸-۱۴۸.

۲ - همان، صص ۲۰۳

۳ - همان، صص ۲۱۲-۲۰۹

۴ - همان، صص ۸-۳۲۷

۵ - همان، صص ۱۹۴ و ۱۸۹ و ۱۸۶

۶ - همان، صص ۲۶۳-۲۶۲

۷ - همان، صص ۲۷۱-۲۶۳

۸ - همان، صص ۲۰۴-۱۹۶

۹ - همان، صص ۳۶۶

۱۰ - همان، صص ۳۳۶-۲۸۴

۱۱ - همان، صص ۱۹۷-۱۹۶

۱۲ - همان، صص ۱۹۸

۱۳ - همان، صص ۲۱۹

۱۴ - همان، صص ۷-۲۳۵

۱۵ - همان، صص ۲۴۵-۲۴۴

۱۶ - همان، صص ۲۴۷-۲۴۵

۱۷ - همان، صص ۲۵۶

۱۸ - همان، صص ۱۶۱-۱۶۰

۱۹ - همان، صص ۱۸۹-۱۸۷

۲۰ - همان، صص ۲۵۳-۲۴۹

۲۱ - همان، صص ۲۵۳

۲۲ - همان، صص ۱۸۹

۲۳ - همان، صص ۳۷۴

۲۴ - میرزا صالح شیرازی، گزارش سفر میرزا صالح شیرازی به روسیه، ویرایش همایون شهیدی، تهران، راه نو، ۱۳۶۲، چاپ اول، صص ۲۴

۲۵ - همان، صص ۵۴

۲۶ - همان، صص ۱۴۴-۱۴۳

۲۷ - همان، صص ۱۵۳

۲۸ - همان، صص ۸۹-۸۸

۲۹ - همان، صص ۱۲۵

۳۰ - همان، صص ۱۵۲

۳۱ - ر.ک: همان، صص ۱۲۷ و ۸۸

۳۲ - همان، صص ۸۵-۸۴

۳۳ - همان، صص ۱۱۲-۹۲

۳۴ - همان، صص ۸۶

۳۵ - همان، صص ۹۱

۳۶ - همان، صص ۱۲۵-۱۲۴

۳۷ - همان، صص ۱۵۲

۳۸ - همان، صص ۱۳۹-۱۳۸

۳۹ - همان، صص ۱۳۰-۱۲۱

۴۰ - همان، صص ۱۲۷ و ۱۱۰

۴۱ - ایلچی، شیرازی، میرزا ابوالحسن خان، دلیل السفر، مقدمه، صص ۲۴-۲۲

۴۲ - همان، صص ۱۳-۱۰

۴۳ - همان، صص ۳۲-۲۵

۴۴ - همان، صص ۸۴-۳۴

۴۵ - همان، صص ۱۲۸-۱۲۵

۴۶ - همان، صص ۲۵۲-۱۸۵

۴۷ - همان، صص ۲۶۸-۲۶۳

۴۸ - همان، صص ۲۷-۲۶

۴۹ - همان، صص ۲۸

۵۰ - همان، صص ۲۹

۵۱ - همان، صص ۳۰

۵۲ - همان، صص ۳۶-۳۵

۵۳ - همان، صص ۲۸

۵۴ - همان، صص ۷۹

۵۵ - همان، صص ۱۰۰

۵۶ - همان، صص ۱۸۲-۱۳۲

۵۷ - همان، صص ۱۶۲-۱۶۱